



10 اکتوبر 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

«همه یارانند، یار وفادار کجاست؟»

(اساساً این نوشته را نخست در صفحه نظر سنجی ها ارسال کردم، ولی در اثر تقاضای یک دوست اینک آنرا در صفحه تحلیل ها خدمت علاقمندان تقدیم میدارم)

همین حالا مقاله محترم زاهد شاداب را تحت عنوان "سندروم در ارگ پس از انشعاب حامیان رئیس جمهور غنی" خواندم. نویسنده از اینکه حامیان غنی یکه یکه از حلقه او کنار رفته و او را در میدان تنها گذاشته اند و اینکه اشرف غنی میخواهد به تنهایی وارد معرکه انتخابات ریاست جمهوری شود، ابراز نگرانی کرده است. این نگرانی شان مرا به یاد یک خواندن مرحوم احمد ظاهر انداخت که یک مصرع آن در باره جستجوی یاران است که میگوید: «همه یاران اند، یار وفادار کجاست؟»

وقتی از یاران صحبت میشود، مقصد از یاران وفادار است، نه کسانی که از یار ببرند و فردای آن با دشمن دوست و همکار شوند. آیا شما همچو اشخاص را - ولو در بازی سیاسی باشد، از جمله دوستان حساب میکنید و یا اینکه همچو اشخاص را باید "معامله گر" خطاب کرد، نه دوست؟ حتی وجدان معامله گر هم با چنین چرخش به سمت معکوس آسوده نخواهد بود که از دوست ببرد و با دشمن بپیوندد.

بهرحال همچو کسانی که دور اشرف غنی گرد آمده بودند، مثل مگسان دور شرینی بودند و برای قدرت و مقام بدورش حلقه زده بودند، نه برای یک مرام و یک اجندای مشخص. اغلب آنها برای خود اجندای جداگانه داشتند، از جمله اتمر که به یکبارگی با چرخش 180 درجه تغییر مسیر داد و از آغوش یکی در آغوش رقیب خسپید.

تا جائیکه معلوم میشود، اجندای اساسی اشرف غنی بطور کل پایان دادن به نقش کسانی است که زیر نام "جهاد و مقاومت" شیره ای ملت را در این چندین سال مکیده و خود را تنومند و فربه ساخته اند و هنوز هم برای بقای خود و تداوم قدرت می کوشند و به انواع ترند های شیطانی متوسل میشوند. حالا که خود شان اعتبار خود را در بین ملت از دست داده اند، آقا زاده ها را به میدان کشیده اند و یا کسانی را که مثل اسپ گادی یا سپ سواری لگام شان را بدست دارند.

دلم به حال کسی میسوزد که سالها در رکاب یک مداری شاگردی کرد و حالا مداری های زمان میخواهند این شاگرد بی بیزبان و ناتوان را بروی صحنه بکشند تا مار ها را از قطی ها بیرون کند و اما دیگر نتواند آنها بجای شان برگرداند. آنوقت مار ها بدون چون و چرا بسوی تماشاچیان و مردم غافل از حقایق زیر پرده حمله خواهند کرد. این شخص اکنون در دست معامله گران "ائتلاف بزرگ" اسیر گردیده و دلم به حال این "موسیچه" بی بال و پر می سوزد که محض نام از او و کام از مداریان خواهد بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

خدایا! به او یک کمی عقل عنایت کن تا از شر این فساد پیشگان معامله گر در امان بماند!

همین مداریها بودند که در دوره های قبل با نام "تانکهای رأی" در جوار یک مداری بزرگ که برای جلب و جذب همچو یاران از ایران بسته های پول دریافت میکرد، خود را میخکوب کرده بودند و از آنطریق طوریکه دیده شد، مقصد شان گرفتن امتیاز چند وزارت، چند سفارت، چند ولایت و امثالهم بود، نه خدمت به مردم و وطن. این معامله گری برای هر دوطرف سود فراوان داشت: یکی بنام "دوست یابی" پول از بیگانه میگرفت و آنرا برای بقای خود در قدرت به معامله گران سودجو و قدرت طلب خیرات میکرد و دیگر معامله گران به مثل جوک از خون ملت تغذیه میکردند. اینست حقیقت عریان که اگر ملت تاحال ندانسته است، از این به بعد بداند و فریب این مداریهای قرن را نخورد.

آیا بهتر نیست که از همسوئی با چنین دوستان مدعا طلب و استفاده جو دوری جست؟ دیگر این یاران درد سر اند، نه توان بازو!

اگر ملت به اجندا و راه و روش یک کاندید و تیم همفکر و کاری او رأی دهد، پس نباید ترس داشت از اینکه او تنها می ماند و یا با چند نفر متعهد به آن اجندا در میدان انتخابات حاضر میشود. اگر با همین وضع مردم برایش رأی داد، آنوقت او با تمام توان میتواند به اجرای امور پردازد و اجندای خود را به پیش ببرد و ترس از شریکان مدعا طلب و معامله گران سود جو نداشته باشد و اگر ملت برایش رأی نداد، واضح است که خواهی نخواهی پا به عقب میکشند و اگر بخواهد در موقف اویوزسیون قرار میگردد.

فلسفه واقعی انتخابات نیز همین است. ساخت و بافت با معامله گران، پاشیدن خاک در چشم مردم بوده و رقصیدن به آهنگهای هر معاله گر که عاقبت آن همان چیز خواهد بود که تا اکنون کشور را به منجلاب بدبختی کشانیده است. نگران تنها رفتن اشرف غنی در میدان انتخابات نباشید و برای من جای نگرانی مزید در وضعی است که اجتماع نقیض ها یعنی "ائتلاف بزرگ احزاب" به قدرت برسند و آنوقت جنگ قدرت را بین شان شاهد بود که باز هم ما را بیاد سالهای 1992 به بعد خواهد انداخت که با تکرار آن وضع دیگر امیدی برای نجات کشور نخواهد بود.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

د پاڼو شميره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ